

## ● ثلاثی مزید ( گروه دوم ):

فعلی است که فعل ماضی صیغه اول ( مفرد مذکر غایب ) آن علاوه بر سر حرف اصلی حرف زائد داشته باشد و خودش هم بر ۲۵ باب قیاسی است ولی ما فقط ۸ باب از آن را بحث خواهیم کرد .

● **هشدار:** دقت کنید که در کنکور، در بخش سوالات تجزیه وقتی برای مثال نوشته می شود ، مزید ثلاثی بزیده ثلاثة أحرفٍ مِنْ ... ، برای تشخیص تعداد حروف زائد به مصدر بابها نگاه نکنید بلکه روش تشخیص فقط صیغه اول ماضی می باشد .

تذکر ، دقت کنید که هر که های فعل ها را فوب یاز بگیرید زیرا بعداً فواید دید که یک هر که می تواند سر نوشت یک فعل را تغییر دهد .

باب	ماضی	مضارع	مصدر	حروف زائد	امر مخاطب
إِفعال	أَفْعَلُ	يُفْعِلُ	إِفْعَال	أ	أَفْعِلْ
تَفْعِيل	فَعَّلَ	يُفَعِّلُ	تَفْعِيلَة - تَفْعِيلَة	تکرار عین الفعل	فَعَّلْ
مُفاعلة	فَاعَلَّ	يُفَاعِلُ	مُفاعلة - فِعال	الف	فَاعِلْ
إِفْتِعال	إِفْتَعَلَ	يَفْتَعِلُ	إِفْتِعال	إ - ت	إِفْتَعِلْ
إِنْفِعال	إِنْفَعَلَ	يَنْفَعِلُ	إِنْفِعال	إ - ن	إِنْفَعِلْ
تَفَاعُل	تَفَاعَلَ	يَتَفَاعَلُ	تَفَاعُل	ت - الف	تَفَاعَلْ
تَفَعُّل	تَفَعَّلَ	يَتَفَعَّلُ	تَفَعُّل	ت - تکرار عین الفعل	تَفَعَّلْ
إِسْتِفعال	إِسْتَفَعَلَ	يَسْتَفَعِلُ	إِسْتِفعال	إ - س - ت	إِسْتَفَعِلْ

## ● نکات :

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)

۱) دقت کنید وزن هایی که در بالا برای هر کدام از بابها آورده شده ، در واقع فقط صیغه اول یا صیغه مفرد مذکر غایب است و ۱۳ صیغه بعدی نوشته نشده است . در واقع باید دقت کنیم که هر کدام از وزن های ماضی یا مضارع در

باب ها ، مثل صیغه های ثلاثی مجرد صرف می شوند . مثلا برای فعل ماضی در باب افعال که بر وزن أَفْعَلْ می باشد داریم :

أَفْعَلْتُ أَفْعَلْنَا      أَفَعَلْتُ أَفَعَلْتُمَا أَفَعَلْتُمْ      أَفَعَلُوا  
أَفَعَلْتُ أَفَعَلْتَا أَفَعَلْتُنَّ      أَفَعَلْتِ أَفَعَلْتُمَا أَفَعَلْتُنَّ

و برای فعل مضارع در باب افعال که بر وزن يُفَعِلُ می آید داریم :

يُفَعِّلُ يُفَعِّلَانِ يُفَعِّلُونَ      تُفَعِّلُ تُفَعِّلَانِ تُفَعِّلُونَ      أُفَعِّلُ أُفَعِّلَانِ أُفَعِّلُونَ  
تُفَعِّلُ تُفَعِّلَانِ يُفَعِّلَنَّ      تُفَعِّلِينَ تُفَعِّلَانِ تُفَعِّلَنَّ

۲) دقت کنید که برای حرکت اول فعل صیغه ۱۳ و ۱۴ فعل مضارع ، به **حرکت صیغه اول مضارع** نگاه کنید و هر حرکتی داشته باشد تا آخر یکسان است . مثلا:

يَذْهَبُ چون اول فعل حرکت اش فتحه می باشد در صیغه ۱۳ و ۱۴ : أَذْهَبُ / نَذْهَبُ

( باب افعال ) : يُخْرِجُ ، چون اول فعل ، حرکت اش ضمه است در صیغه ۱۳ و ۱۴ : أَخْرِجُ / نُخْرِجُ

۳) هیچکدام از فعل های مزید ، عین الفعلشان **ضمه** نیست پس هیچ فعل امر مزیدی با « أ » شروع نمی شود بنابراین هر فعلی ، عین الفعلشان ضمه بوده یا فعل امری که با « أ » شروع شده باشد مزید نیست مانند : تَعْبُدُونَ / أَنْظَرُوا / أَصَدِّقُ

۴) اگر مصدر فعل مضارعی را خواستند که با « يـ » شروع نشده بود ، ( بعد از حذف شناسه ) ، می توانیم به جای حرف اول آن « يـ » بگذاریم تا کار تشخیص آسانتر شود :

نَفْتَحِرُ ⇐ يَفْتَحِرُ ⇐ بر وزن يَفْتَعِلُ ⇐ اِفْتَعَالُ ⇐ بنابراین اِفْتِخَارُ  
أَشْهَدُ ⇐ يُشْهَدُ ⇐ بر وزن يُفَعِلُ ⇐ اِفْعَالُ ⇐ بنابراین اِشْهَادُ

www.my-dars.ir

۵) دو باب **افعال و تفعیل** برای متعدی کردن، فعل لازم بکار می‌برند. بدین معنی که اگر بخواهیم یک فعل لازم را به متعدی تبدیل کنیم آن را یا باب افعال می‌بریم یا تفعیل :

فَرَحَ (شاد شد) « لازم » ⇨ باب تفعیل ⇨ فَرَّحَ (شاد کرد) « متعدی »

نَزَلَ (نازل شد) « لازم » ⇨ باب افعال ⇨ أَنْزَلَ (نازل کرد) « متعدی »

ذَهَبَ (رفت) « لازم » ⇨ باب افعال ⇨ أَذْهَبَ (برد) « متعدی »

توجه: در زبان فارسی بعضی افعال لازم هنگام تبدیل به متعدی، فوراً کلمه عوض می‌شود:

رفتن ⇨ بردن / آمدن ⇨ آوردن / افتادن ⇨ انداختن

۶) سه باب ( **إِفْتَعَال - اِنْفَعَال - تَفَعُّل** ) برای مطاوعه و پذیرش اثر فعل بکار می‌روند بدین معنی که اگر یک فعل متعدی به یکی از این سه باب برود، فاعلش حذف می‌شود و مفعولش تبدیل به فاعل می‌گردد.

كَسَرْتُ الزُّجَاجَ (شیشه را شکستم) « متعدی » ⇨ باب انفعال ⇨ اِنكَسَرَ الزُّجَاجُ (شیشه شکسته شد) « لازم »

۷) باب مفاعله برای **مشارکت** میان دو طرف به کار می‌رود و در ترجمه آن از کلمه ( با ) استفاده می‌کنیم: ( البته این باب برای متعدی کردن نیز استفاده می‌شود )  
بَايَعَ عَلِيٌّ حَسَنًا : علی با حسن معامله کرد.

۸) باب تفاعل نیز برای **مشارکت** میان دو طرف به کار می‌رود و در ترجمه آن از کلمه ( با یکدیگر و یا با همدیگر ) استفاده می‌کنیم.

تَشَاوَرَ الرَّجُلَانِ : دو مرد با یکدیگر مشورت کردند .

۹) باب **تفاعل و مفاعله** همان طور که گفته شد هر دو برای مشارکت به کار می‌روند با این تفاوت که در باب مفاعله یک طرف مشارکت فاعل و طرف دیگر مفعول به است ولی در باب تفاعل هر دو به عنوان فاعل است. لازم به یادآوری است که طرف‌های مشارکت در این دو باب، هر دو باید جاندار باشند.

شَاوَرَ عَلِيٌّ حَسَنًا : علی با حسن مشورت کرد

تَشَاوَرَ عَلِيٌّ وَ حَسَنٌ : علی و حسن با همدیگر مشورت کردند

۱۰) برای تشخیص دقیق باب افعال از انفعال باید به کلمه نگاه کنیم. اگر بعد از نون، (ت) به کار رفته باشد حتماً باب افعال است وگرنه باب انفعال می باشد.

باب افعال

انتقام - انتقال - انتشار

باب انفعال

انکسار - انجماد - انصراف - انقراض

۱۱) دقت کنید کلماتی مانند (إنقاذ) (نجات دادن) - انزال - انجات و ... ( به باب افعال رفته اند نه باب انفعال ، زیرا ( ن ) جزو حروف اصلی آن هاست. « می توان گفت اگر بین دو « ا » ، دو حرف باشد باب افعال و اگر بین دو « ا » سه حرف باشد ، افعال »

۱۲) اکثر افعالی که اول آن ها ( اِسْتِ ) است از باب استفعال هستند به غیر از افعالی مانند زیر که چون ( س ) در آن ها جزء ریشه کلمه است و از باب افعال هستند.

إستماع ( سمع ) - استراق ( سرق ) - استعار ( سَعَر ) - استواء ( سَوَى ) - استتار ( سَتَر ) ← باب افعال

۱۳) به شباهت ها و تفاوت های دو باب **تفعیل و تفعل** توجه کنید و در مورد آنها دچار خطا نشوید :  
✓ هر دوی این بابها در ماضی و مضارع و امرشان ، دارای تشدید می باشند .  
✓ وزن **تَفَعَّلَ** ( صیغه مفرد مذکر غایب ) ماضی از باب تفعل ، ولی وزن **تَفَعَّلَ** ( صیغه مفرد مؤنث غایب یا صیغه مفرد مذکر مخاطب ) مضارع از باب تفعیل می باشد .  
مثلاً : تَعَلَّمَ ماضی باب تفعل ولی تُعَلِّمُ مضارع باب تفعیل می باشد .  
✓ تَفَعَّلَ امر باب تفعل و فَعَّل امر باب تفعیل می باشد .

۱۴) به شباهت ها و تفاوت های دو باب **تفاعل و مفاعله** توجه کنید و در مورد آنها دچار خطا نشوید :  
✓ هر دوی این باب ها در ماضی و مضارع و امر ، دارای حرف « ا » می باشند .  
✓ وزن **تَفَاعَلَ** ( صیغه مفرد مذکر غایب ) ماضی از باب تفاعل ولی وزن **تَفَاعَلَ** ( صیغه مفرد مؤنث غایب یا صیغه مفرد مذکر مخاطب ) مضارع از باب مفاعله می باشد .

مثلا :

تَكَاتَبَ ماضی باب تَفَاعُلُ ولی تُكَاتِبُ مضارع باب مفاعله می باشد .

✓ تَكَاتَبَ امر باب تَفَاعُلُ و فاعِلُ امر باب مفاعله می باشد .

۱۵) فعل ماضی و امر مخاطب در سه صیغه ( ۲ - ۳ - ۶ ) و سه صیغه ( ۸ - ۹ - ۱۲ ) از باب ( تَفَعَّلُ و

تَفَاعُلُ ) مثل هم می شوند .

✓ وَضَعَ « باب تَفَاعُلُ » :

( غایب ) : تَوَاضَعَ - \*تَوَاضَعَا - \*تَوَاضَعُوا - تَوَاضَعْتُ - تَوَاضَعْتَا - \*تَوَاضَعْنَ

( امر مخاطب ) : تَوَاضِعْ - \*تَوَاضِعَا - \*تَوَاضِعُوا - تَوَاضِعِي - تَوَاضِعَا - \*تَوَاضِعْنَ

✓ رَجِمَ « باب تَفَعَّلُ » :

( غایب ) : تَرَجَّمَ - \*تَرَجَّمَا - \*تَرَجَّمُوا - تَرَجَّمْتُ - تَرَجَّمْتَا - \*تَرَجَّمْنَ

( امر مخاطب ) : تَرَجِّمْ - \*تَرَجِّمَا - \*تَرَجِّمُوا - تَرَجِّمِي - تَرَجِّمَا - \*تَرَجِّمْنَ

۱۶) ماضی دو باب ( تَفَاعُلُ ) و ( تَفَعَّلُ ) با حرف ( ت ) شروع میشود بنابراین باید مراقب باشیم آن را

با مضارع اشتباه نگیریم زیرا مضارع این باب اولش ( يَتَمَرَّدُ ، تَتَمَرَّدُ ، أَتَمَرَّدُ ، نَتَمَرَّدُ ) دارد .

تَجَاهَلُ ( ماضی ) / يَتَجَاهَلُ تَتَجَاهَلُ ... أَتَجَاهَلُ نَتَجَاهَلُ ( مضارع )

تَمَرَّدُ ( ماضی ) / يَتَمَرَّدُ تَتَمَرَّدُ ... أَتَمَرَّدُ نَتَمَرَّدُ ( مضارع )

۱۷) فعل ماضی و امر مخاطب در سه صیغه ماضی ( ۲ - ۳ - ۶ ) و سه صیغه امر مخاطب ( ۸ - ۹ - ۱۲ )

مثل هم می شوند با این تفاوت که در فعل ماضی عین الفعل فتحه و در امر مخاطب عین الفعل کسره

می باشد . ( به جز دو باب تَفَاعُلُ و تَفَعَّلُ )  
[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)

« جَاهِدُوا ( ماضی غایب ) ⇨ جَاهِدُوا ( امر مخاطب ) »

« جَاهِدَنَّ ( ماضی غایب ) ⇨ جَاهِدَنَّ ( امر مخاطب ) »

« عَلَّمَا ( ماضی غایب ) ﴿﴾ عَلَّمَا ( امر مخاطب ) »

« أَخْرَجُوا ( ماضی غایب ) ﴿﴾ أَخْرَجُوا ( امر مخاطب ) »

۱۸) در تعیین مجرد یا مزید بودن فعل هایی که حرف آخر آنها مشدد ( دارای تشدید ) است، ادغام را بشکنید یعنی دو حرف ادغام شده را در ذهن خود جدا کنید تا راحت تر به وزن آن دست پیدا کنید .

✓ برای مثال، فعل « يُحِبُّ » در اصل « يُحِبُّ بِرِ وَزْنِ يُفَعِّلُ » است بنابراین از باب افعال می باشد.

✓ فعل هایی ماضی مانند « اِسْتَمَرَّ » در اصل ، اِسْتَمَرَّرَ بِرِ وَزْنِ اِسْتَفْعَلَّ بوده که دو حرف هم جنس در یکدیگر ادغام شده اند و مضارع آن به صورت یَسْتَمِرُّ می باشد که در اصل یَسْتَمِرُّ بِرِ وَزْنِ یَسْتَفْعَلُّ بوده است . همچنین فعل هایی ماضی مانند « اِهْتَمَّ » در اصل ، اِهْتَمَّمَ بِرِ وَزْنِ اِفْتَعَلَ می باشد که مضارع آن یَهْتَمُّ ( در اصل ، یَهْتَمَّمُ ) می باشد :

اِسْتَمَدَّ یَسْتَمِدُّ اِسْتَمَدَّ ( استفعال ) اِهْتَمَّ یَهْتَمُّ اِهْتَمَّ ( افعال )

اِسْتَرَدَّ یَسْتَرِدُّ اِسْتَرَدَّ ( استفعال ) اِنْضَمَّ یَنْضَمُّ اِنْضَمَّ ( انفعال )

اِسْتَقَرَّ یَسْتَقِرُّ اِسْتَقَرَّ ( استفعال ) اِسْتَعَدَّ یَسْتَعِدُّ اِسْتَعَدَّ ( استفعال )

✓ یَرُدُّ ( یَرُدُّ ) : بِرِ وَزْنِ یَفْعُلُ ، این وزن را در باب های مزید نداریم پس نتیجه می گیریم ثلاثی مجرد است .

۱۹) فعل های ماضی و امر که با ( آ ) شروع می شوند غالباً از باب افعال هستند :

اَمَنُوا ( ماضی صیغه للغائبین ) / اَمِنَ ( امر صیغه للمخاطب ) / اَتَ ( امر صیغه للمخاطب )

۲۰) فعل هایی مانند « اَرَادَ - اَجَابَ - اَصَابَ - اَقَامَ و .. » که بر وزن اَفَالِ می باشند ، ماضی بوده و مضارع آنها

نیز « یُرِيدُ - یُجِيبُ - یُصِيبُ - یُقِيمُ و ... » می باشد . این افعال از باب افعال می باشند و امر مخاطب آنها به

صورت « اَرِدْ ، اَجِبْ ، اَصِبْ ، اَقِمْ و ... » می آید .

تذکره ۱: می توان گفت نوع دیگر باب افعال به صورت زیر می باشد :

أَفَالَ ( ماضی ) < يُفِيْلُ ( مضارع ) < أَفِلْ ( امر ) < إِفَالَةٌ ( مصدر )

< مثال : أَجَابَ يُجِيبُ أَجِبْ إِجَابَةً / أَصَابَ يُصِيبُ أَصِْبْ إِصَابَةً

تذکره ۲: میتوان گفت نوع دیگر باب استفعال به صورت زیر است :

إِسْتَفَالَ ( ماضی ) < يَسْتَفِيْلُ ( مضارع ) < اسْتَفِلْ ( امر ) < اسْتِفَالَةٌ ( مصدر )

< مثال : اسْتَجَابَ يَسْتَجِيبُ اسْتَجِبْ اسْتَجَابَةً / اسْتَفَادَ يَسْتَفِيدُ اسْتَفَادَةٌ

( ۲۱ ) یادآوری : ساختن فعل های « نهی ، نفی ، مستقبل و .... » از فعل های مزید دقیقاً مانند فعل های ثلاثی مجرد است .

✓ نهی : لَا + تَقْتَرِبَانِ = لَا تَقْتَرِبَا

✓ نفی : مَا + صَدَقْتَ = مَا صَدَقْتَ

✓ نفی : لَا + يَسْتَغْفِرُ = لَا يَسْتَغْفِرُ

( ۲۲ ) افعالی همچون ( يَخَافُ ، يَنَامُ ، يَنَالُ ) و ( يَضِلُّ ، يَدُلُّ ، يَسِرُّ ) مجرد می باشند .

( ۲۳ ) جمع بندی مفید :

✓ دو تا باب داریم که وسطشون ( ا ) دارند ( مفاعله و تفاعل ) ⇔ تفاعل ( ت ) داره ولی مفاعله نداره .

✓ دو تا باب داریم که وسطشون تشریح دارند ( تفعیل و تفاعل ) ⇔ تفاعل ( ت ) داره ولی تفعیل نداره .

✓ سه تا باب داریم که تو مضارع اولشون با ضمه ( --- ) شروع میشن و به دونه حرف زائد دارند ( تفعیل -

مفاعله - افعال )

www.my-dars.ir

✓ اِنْتِ ⇔ اِنْتَعَالِ < ~~اِنْتِ~~ ⇔ اِنْتَعَالِ

✓ اِسْتِ ⇔ ( س جزو ریشه بود ، اِفْتَعَالِ و کَرْنَه اِسْتَعَالِ )

📖 تست سخت : عین الضحیح فی التّرجمة:

۱. إلهي و ربّي ألهمنا الطّاعة و جنّبنا المعصية : معبود و پروردگارم، طاعت را به ما الهام کرد و ما را از گناه دور کرد!
۲. إلهنا لا تجعل للشيطانِ على عقولنا سيلاً : ای معبود ما، برای شیطان راهی بر عقلمان قرار مده!
۳. ربّي أخرجني من ظلماتِ الوهم و أكرمني بنور الفهم : پروردگارا، مرا از تاریکی‌های وهم خارج کن و مرا به نور فهم گرامی بدار!
۴. ربّ اشرح لي صدري و يسّر لي أموري : ای پروردگار من، سینه‌ام را برایم بگشا و کارم را برایم آسان گردان!

پاسخ گزینه‌ی ۱ می‌باشد.

توضیح: اختلاف حرکت عین الفعل در ماضی ( مَ ) و در امر ( مِ )، در ۶ باب از باب‌های ۸ گانه برای تشخیص ترجمه‌ی درست راهگشاست و فقط در ۲ باب تفعّل و تفاعل حرکت عین الفعل در ماضی و امر فته است.

✓ در گزینه‌ی ۱ : با توجه به حرکت وسط ( عین الفعل ) جنّب ، فعل ماضی است پس فعل ألهم هم ماضی می‌باشد.

در گزینه‌ی ۲ : عقول جمع تکسیر است. ( عقولنا : عقلايمان )

در گزینه‌ی ۳ : عین الفعل " أكرّم " مفتوح است پس این فعل و فعل قبلی هر دو ماضی هستند. خارج کرد - گرامی داشت

در گزینه‌ی ۴ : أمور جمع تکسیر است. ( أموري : کارهایم )

📖 تست سخت: عین الفعل من باب تفعّل :

۱. تعلّمنا الحياة دروساً لن ننساها ابدأ !
۲. تعلّم علم ينفع الناس في حياتهم خيراً !
۳. علیّ تعلّم فاطمة درسهما فی المكتبة !
۴. فاطمة تعلّم علیّ درسه فی المكتبة !

پاسخ صحیح گزینه ۴ می‌باشد.

گزینه ۱ ⇐ نَعَلّمنا الحياة ، زندگی به ما یاد می‌دهد ( باب تفعیل )

گزینه ۲ ⇐ تَعَلّم مصدر باب تفعّل می‌باشد ( یاد گرفتن علمی که ... )

🌿 دقت کنید که در صورت سوال " فعل " خواسته شده است .

گزینه ۳ ⇐ تعلّم نمی‌تواند باب تفعّل باشد زیرا : اگر تَعَلّم باشد ، از آنجاییکه فاطمه مونث است پس نمیتواند فاعل این فعل شود ( وگرنه باید تَعَلّمت می‌شد )



ناچار یا باید علی فاعل باشد و یا علی منادا شود :

علی نمیتواند مرجع ضمیر مستتر برای فعل تَعَلَّمَ باشد زیرا جمله بی معنی می شود : علی یاد گرفت فاطمه درسش..

بنابراین علی باید منادا شود که در اینصورت تَعَلَّمَ باید از باب تفعیل شود : ای علی ، فاطمه درسش را در کتابخانه یاد می دهد .

✓ گزینه ۴ : فاطمه منادا بوده و فاعل فعل تَعَلَّمَ ، علی می باشد . ای فاطمه ، علی درسش را در کتابخانه یاد گرفت .

◆ دقت کنید که تَعَلَّمَ نمیتواند باب تفعیل باشد زیرا در آنصورت ، علی مفعول شده و باید با (ا) بیاد ( علیاً ) .

📖 **تست سخت :** عین عبارتةً فیها فعلٌ مزیدٌ:

۱. تَعَلَّمْنَا اللُّغَةَ التُّرْكِيَّةَ خَيْرَ مَسَاعِدٍ لَنَا فِي السَّفَرِ إِلَى إِسْطَنْبُولٍ!

۲. تَعَادَلْنَا فِي الْمُبَارَاةِ أَمَامَ الْفَرِيقِ الْيَابَانِي سَرَّ الْيَابَانِيْنَ كَثِيْرًا!

۳. تَخَلَّفَ هُوَآءُ النَّاسِ عَنِ الرِّكْبِ الْعِلْمِيِّ نَتِيْجَةَ خَمُولِهِمْ وَ تَكَاسَلِهِمْ!

۴. مَنْ يَقْدِرُ مِنْكُمْ أَنْ يَدْخُلَ هُوَآءُ فِي مَكَانَةٍ مَنَاسِبَةٍ تَلِيْقُ بِهِمْ!

پاسخ گزینه ی ۴ می باشد.

در گزینه ی ۱ ⇐ فعل وجود ندارد و تَعَلَّمَ مصدر باب تَفَعَّل می باشد. یادگرفتن زبان ترکی از سوی ما ( یاد گرفتن زبان ترکی را ) بهترین کمک کننده برای ما در سفر به استانبول می باشد.

در گزینه ی ۲ ⇐ تَعَادَلَ مصدر باب تَفَاعَلَ است. تساوی ما در مسابقه مقابل حریف ژاپنی، ژاپنی ها را بسیار خوشحال کرد.

در گزینه ی ۳ ⇐ تَخَلَّفَ مصدر باب تَفَعَّل است و این گزینه هم فعل ندارد. عقب ماندن این مردم از کاروان علمی، نتیجه ی سستی و تنبلی شان است.

✓ در گزینه ی ۴ ⇐ يَقْدِرُ ثلاثی مجرد - يُدْخِلُ ثلاثی مزید باب افعال ( با توجه به ترجمه ) - تَلِيْقُ ثلاثی مجرد ( لاقَ يَلِيْقُ ) چه کسی از شما می تواند اینها را در جایگاهی مناسب که برازنده ی آنهاست، وارد کند.

تمرین موم

ترتیب	فعل	باب	نوع فعل	صیغه	ترتیب	فعل	باب	نوع فعل	صیغه
۱	يَسْتَمِدُّ				۲	تُجَاهِدِينَ			
۳	يُقِيمُ				۴	أَنْظُرُوا			
۵	أَجَابَ				۶	يَكْتَشِفْنَ			
۷	عَلِمَا				۸	تَعَلَّمُوا			
۹	عَلِمَا				۱۰	تُعَلِّمُونَ			
۱۱	اتَّخَذُوا				۱۲	تَكَاتَبُوا			
۱۳	أَرْسَلُ				۱۴	تُكَاتِبُونَ			
۱۵	أَعْلَمُ				۱۶	كَاتِبِي			
۱۷	إِنْكَشَفْتِ				۱۸	تَكَاتَبِي			
۱۹	إِنْتَخَبَ				۲۰	يُجِيبُ			
۲۱	إِنْتَخِبَ				۲۲	شَاوَرَ			
۲۳	يَسْتَتِرُونَ				۲۴	تُنْقِذِينَ			
۲۵	عَلِمُوا				۲۶	عَلِمُوا			
۲۷	أَجْلَسُ				۲۸	تَتِمَّازُصُ			
۲۹	تُخْرِجَنَّ				۳۰	نُرْسِلُ			
۳۱	تَنْتَشِرِينَ				۳۲	أُجَاهِدُ			
۳۳	نُجِلِسُ				۳۴	كَمَلُ			
۳۵	أُذْكَرِي				۳۶	مَمْتَلِكُ			
۳۷	تَعَايِشُ				۳۸	لَانْشِرِكُ			

		تَبَادَلُونَ	٤٠			تَفْضَلِي	٣٩
		إِهْتَمَّ	٤٢			لَا يُضِيعُ	٤١
		تَلَاعِبُ	٤٤			أَعْتَقَ	٤٣
		أَرْسَلْنَا	٤٦			أَسْتَغِيثُ	٤٥
		اسْتَلَمُوا	٤٨			عَيْنَ	٤٧
		جَاهَدَنَّ	٥٠			تَوَاضَعَى	٤٩
		حَسَنَتِ	٥٢			اسْتَمِعُوا	٥١
		قَدْ يُحْسِنُ	٥٤			أَنشَدُوا	٥٣
		أَعْلَمَ	٥٦			تَخْتَلِفِينَ	٥٥
		أَعْلَمُ	٥٨			لَاتَنَامُ	٥٧
		أُحِبُّ	٦٠			إِنْتَاجَ	٥٩
		اسْتَقْبَحَ	٦٢			تَسْتَمِرُّ	٦١
		تُسَاعَدُ	٦٤			تَخَلَّصُوا	٦٣
		تُسَاعِدُ	٦٦			تَنْجَحُونَ	٦٥
		لِنَسْتَمِعَ	٦٨			أَنْ لَا يَخَافُوا	٦٧
		أَنْفِقُوا	٧٠			تَنْطِقُونَ	٦٩
		يُمَارِسَنَّ	٧٢			أَنْ يُبَدِّلُوا	٧١
		يُشْهِدُونَ	٧٤			لِيُنْقَذُوهُ	٧٣
		انْكَسَرُوا	٧٦			يُنَادِي	٧٥
		تَسْتَرْقِينَ	٧٨			أَفْتَشُ	٧٧
		تَوَاضَعَا	٨٠			إِتَّقُوا	٧٩

			تَشَاوَرُوا	٨٢			أَحْسَنَتْ	٨١
			جَاهِدُوا	٨٤			أَصْبَحُوا	٨٣
			جَاهِدَا	٨٦			إِنطَوَى	٨٥
			تَرَحَّمُوا	٨٨			أَرَادَتْ	٨٧
			أَنْزَلُوا	٩٠			أَرْسَلَى	٨٩
			آمَنُوا	٩٢			يَتَجَلَى	٩١
			آمِنُوا	٩٤			يُرِيدُونَ	٩٣
			شاور	٩٦			إِحْرَمْتُ	٩٥
			لَاتَعْلَمُوا	٩٨			تَخْرَجْنَ	٩٧
			يَضُلُّ	١٠٠			صَابِرُوا	٩٩
			تَخْرَجُوا	١٠٢			تَوَكَّلْ	١٠١
			تَنْقَبِضُونَ	١٠٤			تَعَاوَنْتُ	١٠٣
			جالس	١٠٦			تَعَارَفَى	١٠٥
			أَطْفَاتُ	١٠٨			تُعَاقِبُ	١٠٧
			سَتَتَعَاوَنُ	١١٠			لَا يُكَلِّفُونَ	١٠٩
			يُحِبُّ	١١٢			تَكْتَسِبِينَ	١١١
			قالوا	١١٤			تَكَلَّمْتُ	١١٣
			لَمْ يُصَدِّقُوا	١١٦			إِبْتَسَمْتُمَا	١١٥
			إِنقَضُوا	١١٨			أَكْثَرَى	١١٧
			أَقَوْمُ	١٢٠			إِشْتَدُوا	١١٩

● **فعل لازم و متعدی :** ( مثل فارسی : گذرا و ناگذر )

الف) فعل لازم : به فعل هایی گفته می شود که معنی و مفهوم آن ها با ذکر فاعل کامل می شود و به مفعول به نیازی ندارند .

فَرِحَ ( شاد شد )      جَاءَ ( آمد )      نَزَلَ ( نازل شد )

● **در موارد زیر معمولاً فعل لازم است:**

۱) باب انفعال همیشه لازم بوده و باب تفاعل نیز غالباً لازم است .

مثال: اِنْكَسَرَ : شکست - تَقَاتَلَ : مبارزه کرد.

۲) کلیه افعال ثلاثی مجرد که ماضی آنها بر وزن فَعَلَّ می باشد لازم است. مثال: كَثُرَ : زیاد شد

۳) ( در گوشتی ) اکثر افعال ( در سطح کنکور ) از باب تَفَعَّلَ لازم می باشند به غیر از :

تَقَبَّلَ ( قبول کرد ) - مَتَمَّنَى ( آرزو کرد ) - تَوَقَّأَى ( کشت ) - تَعَلَّمَ ( یاد داد ) - تَذَكَّرَ ( هشدار داد )

ب) **فعل متعدی:** به فعل هایی گفته می شود که علاوه بر فاعل به مفعول نیز نیاز دارند :

مثال: كَتَبَ التِّلْمِيذُ الدَّرْسَ : دانش آموز درس را نوشت .  
فعل      مفعول

(متعدی)

● **در موارد زیر معمولاً فعل متعدی است :**

۱) هرگاه از سه باب ( افعال - تفعیل - مفاعله ) باشند ، به غیر از استثناءات زیر: ( که لازم اند )

✓ تَفَعَّلَ : فَكَرَ ( فکر کرد )

✓ اِفْعَالَ : اَقْدَمَ ( علی ) - اَعْرَضَ ( رو گرداند ) - اَدْبَرَ ( پشت کرد ) - اَمْكَنَ ( امکان یافت ) - اَمَنَ ( ایمان آورد )

اَفَاقًا ( بیدار شد ) - اَزْهَرَ ( شکوفه برآورد ) - اَسْرَعَ ( شتافت ) - اَفْلَحَ ( رستگار شد ) - اَشْفَقَ ( دلسوزی کرد ) - اَشْفَى ( شفا یافت )

اَنْصَتَ ( ساکت شد ) - اَشْرَقَ ( طلوع کرد ) - اَسْلَمَ ( اسلام آورد ) - اَظْلَمَ ( تاریک شد ) - اَمَطَرَ ( بارید )

✓ مَفَاعَلَةٌ :

هاجَرَ ( هجرت کرد ) - سَافَرَ ( سفر کرد )

۲) هرگاه فعلی مجهول باشد حتماً متعدی است. زیرا مجهول را از فعل متعدی می سازیم. ( این نکته در تست های تحلیل صرفی بسیار اهمیت دارد یعنی آمدن دو ویژگی « لازم و مبنی للمجهول » باهم همیشه نادرست است ).

عُرِفَ : شناخته شد .

۳) هرگاه یکی از ضمایر متصل نصبی ( هُ - هُما - هُم - ها - هُما - هُنْ - كَ - كُما ... ) به فعل بچسبد غالباً آن فعل متعدی است . مثال : ضَرَبَهُمْ ( ضرب فعل متعدی می باشد )

۴) اگر به آخر فعل لازم حرف جرّ ( بِ - عَلی - عَنّ و ... ) اضافه کنیم فعل متعدی می شود. ( حرف جرّ بلافاصله یا با فاصله می آید ).

ذَهَبَ إِلَى الْمَدْرَسَةِ      ذَهَبَ بِهٖ إِلَى الْمَدْرَسَةِ  
رفت ( لازم )      برد او را ... ( متعدی )

۵) دقت کنید که ترجمه بهترین راه تشخیص فعل متعدی و لازم می باشد. اگر فعل مورد نظر به یکی از پرسش های ( چه کسی را ؟ ) یا ( چه چیزی را ؟ ) پاسخ دهد ( یعنی جواب داشته باشد و معنی بدهد ) متعدی است وگرنه لازم است .

هَرَبَ ( فرار کرد )      چه کسی را فرار کرد ؟ یا چه چیزی را فرار کرد ؟ « لازم »  
عَبَدَ ( عبادت کرد )      چه کسی را عبادت کرد ؟ یا چه چیزی را عبادت کرد ؟ « متعدی »

۶) برخی از فعل ها دو وجهی هستند یعنی هم به صورت لازم و هم به صورت متعدی به کار می روند :

دَخَلَ التَّلَامِيذُ فِي الْمَدْرَسَةِ : دَخَلَ لازم      دَخَلَ التَّلَامِيذُ الصَّفَّ : دخل متعدی و الصَّفَّ مفعول  
جاءَ التَّلَامِيذُ إِلَى الْمُعَلِّمِ : جاء لازم      جاؤُوا أَبَاهُمْ عِشَاءً يَبْكُونَ : جاؤُوا متعدی و أَبَا مفعول

توجه مهم : ترجمه افعال صفحات بعدی را دقیقاً به خاطر بسپارید .  
[www.miy-dars.ir](http://www.miy-dars.ir)

راست گفت	ثلاثی مجرد	صَدَقَ ( يَصْدُقُ )
باور کرد	باب تفعیل	صَدَّقَ ( يُصَدِّقُ )
رو راست بود، به دوستی گرفت	باب مفاعله	صَادَقَ ( يُصَادِقُ )
صدقه داد	باب تفعّل	تَصَدَّقَ ( يَتَصَدَّقُ )

پذیرفت	ثلاثی مجرد	قَبِلَ ( يَقْبَلُ )
روی آورد	باب افعال	أَقْبَلَ عَلَى
به سوی او رفت	باب افعال	أَقْبَلَ إِلَيْهِ
دست به کار شد	باب افعال	أَقْبَلَ عَلَى الشَّيْءِ
بوسید	باب تفعیل	قَبَّلَ ( يُقَبِّلُ )
رو به رو شد	باب مفاعله	قَابَلَ ( يُقَابِلُ )
دو مرد با یکدیگر روبرو شدند	باب تفاعل	تَقَابَلَ الرَّجُلَانِ
بر عهده گرفت	باب تفعّل	تَقَبَّلَ ( يَتَقَبَّلُ )
به پیشواز رفت ، استقبال کرد	باب استفعال	اسْتَقْبَلَ ( يَسْتَقْبِلُ )

راند	ثلاثی مجرد	دَفَعَ ( يَدْفَعُ )
دفاع کرد	باب مفاعله	دَافَعَ ( يُدَافِعُ )
روانه شد	باب انفعال	إِنْدَفَعَ ( يَنْدَفِعُ )

کشت	ثلاثی مجرد	قَتَلَ ( يَقْتُلُ )
جنگید با	باب مفاعله	قَاتَلَ ( يُقَاتِلُ )

سالم ماند	ثلاثی مجرد	سَلِمَ ( يَسْلَمُ )
اسلام آورد	باب افعال	أَسْلَمَ ( يُسْلِمُ )
سلامتی دهد به تو ( در مقام دعا )	باب تفعیل	سَلَّمَ
سلام کرد بر	باب تفعیل	سَلَّمَ عَلَى
دریافت کرد	باب افتعال	إِسْتَلَمَ ( يَسْتَلِمُ )
تسلیم شد	باب استفعال	إِسْتَسَلَّمَ ( يَسْتَسَلِمُ )

کار کرد	ثلاثی مجرد	عَمِلَ ( يَعْمَلُ )
رفتار کرد	باب مفاعله	عَامَلَ ( يُعَامِلُ )
داد و ستد کرد	باب تفاعل	تَعَامَلَ ( يَتَعَامَلُ )
به کار گرفت	باب استفعال	اِسْتَعْمَلَ ( يَسْتَعْمِلُ )

کوشید، سعی کرد	باب مفاعله	حَاوَلَ ( يُحَاوِلُ )
دگرگون کرد	باب تفعیل	حَوَّلَ ( يُحَوِّلُ )
دگرگون شد ، متحول شد	باب تفاعل	تَحَوَّلَ ( يَتَحَوَّلُ )
واگذار کرد به ، ارجاع داد به	باب افعال	أَحَالَ إِلَى

دید	ثلاثی مجرد	رَأَى ( يَرَى )
نشان داد	باب افعال	أَرَى ( يُرَى )

آمد	ثلاثی مجرد	أَتَى وَ جَاءَ « لازم »
داد ، عطا کرد	باب مفاعله	أَتَى
آورد	ثلاثی مجرد	أَتَى بِ وَ جَاءَ بِ « متعدی »

آمرزید ، بخشید	ثلاثی مجرد	عَفَرَ ( يَغْفِرُ )
طلب آموزش کرد ، آموزش خواست	باب استفعال	اِسْتَعْفَرَ ( يَسْتَعْفِرُ )

صبر کرد	ثلاثی مجرد	صَبَرَ ( يَصْبِرُ )
پایداری کرد	باب مفاعله	صَابَرَ

افزود	ثلاثی مجرد	زَادَ
زیاد شد	باب افتعال	اِزْدَادَ
مجهز ساخت	باب تفعیل	زَوَّدَ



حمل کرد ، برد	ثلاثی مجرد	حَمَلَ
تحمیل کرد بر	باب تفعیل	حَمَلَ عَلَی
تحمّل کرد	باب تفعّل	تَحَمَّلَ

دانست	ثلاثی مجرد	عَلِمَ
یاد داد ، فهماند	باب افعال	أَعْلَمَ
یاد داد	باب تفعیل	عَلَّمَ
یاد گرفت ، علم آموخت	باب تفعّل	تَعَلَّمَ
جویا شد	باب استفعال	إِسْتَعْلَمَ

بزرگ شد	ثلاثی مجرد	كَبَّرَ
بزرگ داشت	باب تفعیل	كَبَّرَ
خودخواهی کرد	باب تفعّل	تَكَبَّرَ
سرکشی کرد	باب استفعال	إِسْتَكَبَّرَ

آفرینش	اسم	خَلَقَ
خوی و منش	اسم	خُلِقَ
آراسته شد	باب تفعّل	تَخَلَّقَ

برخواست	ثلاثی مجرد	قَامَ
پرداخت	ثلاثی مجرد	قَامَ بِـ
استوار بود	ثلاثی مجرد	قَامَ عَلَی
ایستاد	ثلاثی مجرد	قَامَ عَلَی الصِّفَا
برپاداشت	باب افعال	أَقَامَ

برگشت	ثلاثی مجرد	عَادَ
عادت کرد	باب تفعّل	تَعَوَّدَ

افتاد	ثلاثی مجرد	وَقَعَ عَلَيَّ
انداخت ، سرنگون ساخت	باب افعال	أَوْقَعَ

رسید	ثلاثی مجرد	وَصَلَ
رساند	باب افعال	أَوْصَلَ
ادامه داد	باب مفاعله	وَاصَلَ
تماس گرفت	باب افتعال	اتَّصَلَ بِ

انداخت	باب افعال	أَلْقَى
برخورد کرد	ثلاثی مجرد	لَقِيَ
می بینی	ثلاثی مجرد	تَلَقَّى
دریافت کرد	باب تفعّل	تَلَقَّيْتُ

نشست	ثلاثی مجرد	جَلَسَ ( يَجْلِسُ )
نشاند	باب افعال	أَجْلَسَ ( يُجْلِسُ )
با او نشست	باب مفاعله	جَالَسَهُ
همنشینی کرد	باب تفاعل	تَجَالَسَ ( يَتَجَالَسُ )

شناخت ، دانست	ثلاثی مجرد	عَرَفَ
آشنا شد	باب تفعّل	تَعَرَّفَ ( يَتَعَرَّفُ )
یکدیگر را شناخت / شناختند	باب تفاعل	تَعَارَفَ ( يَتَعَارَفُ )
شناساند	باب افعال	أَعْرَفَ ( يُعْرِفُ )
اعتراف کرد	باب افتعال	إِعْرَفَ
معرفی کرد	باب تفعیل	عَرَّفَ عَلَيَّ

نوشت	ثلاثی مجرد	كَتَبَ
یکطرفه نامه نگاری کرد	باب مفاعله	كَاتَبَ
دوطرفه نامه نگاری کردند	باب تفاعل	تَكَاتَبَ

برگشت	ثلاثی مجرد	رَجَعَ ( يَرْجِعُ )
دوره کرد ، مرور کرد ، مراجعه کرد	باب مفاعله	رَاجَعَ ( يُرَاجِعُ )
پس گرفت	باب استفعال	إِسْتَرْجَعَ ( يَسْتَرْجِعُ )
بازگرداند	باب افعال	أَرْجَعَ ( يُرْجِعُ )

بیرون رفت	ثلاثی مجرد	خَرَجَ
بیرون آورد	باب افعال	أَخْرَجَ
بیرون آورد ، استخراج کرد	باب استفعال	إِسْتَخْرَجَ
دانش آموخته شد ، فارغ التحصیل شد	باب تفعّل	تَخَرَّجَ

فهمید	ثلاثی مجرد	فَهِمَ
فهماند	باب تفعیل	فَهَّمَ
درک متقابل داشتن	باب تفاعل	تَفَاهَمَ
طلب درک و فهم نمود	باب استفعال	إِسْتَفَهَمَ

نجات یافت	ثلاثی مجرد	نَجَى
نجات داد	باب تفعیل	نَجَّى
راز و نیاز کرد	باب مفاعله - تفاعل	نَاجَى وَتَنَاجَى
نجات خواست	باب استفعال	إِسْتَنَجَى

ظاهر شد	ثلاثی مجرد	ظَهَرَ
ظاهر کرد	باب افعال	أَظْهَرَ
تظاهر کرد	باب تفاعل	تَظَاهَرَ بِـ

www.my-dars.ir

باز کرد	ثلاثی مجرد	فَتَحَ
باز شد	باب انفعال	إِنْفَتَحَ

پایین آمد ، پیاده شد	ثلاثی مجرد	نَزَلَ
نازل کرد ، پیاده کرد	باب افعال	أَنْزَلَ
فرود آورد ، پیاده کرد	باب تفعیل	نَزَّلَ

سود رساند	ثلاثی مجرد	نَفَعَ
از ... سود برد	باب افتعال	انْتَفَعَ بِـ

پیدا کرد	ثلاثی مجرد	وَجَدَ
پدید آورد	باب افعال	أَوْجَدَ
وجود دارد	باب افعال	يُوجَدُ « مجهول »

نگاه کرد	ثلاثی مجرد	نَظَرَ
منتظر شد	باب افتعال	انْتَهَرَ

فرستاد	ثلاثی مجرد	بَعَثَ
فرستاده شد	باب انفعال	انْبَعَثَ

جمع کرد	ثلاثی مجرد	جَمَعَ
جمع شد	باب تفعیل	تَجَمَّعَ
جمع شد	باب افتعال	اجْتَمَعَ

خوشنود کرد	باب افعال	أَعْجَبَ
خودپسند شد ، خودشیفته گردید	باب افعال	أَعْجَبَ بِنَفْسِهِ
تعجب کرد	باب تفعیل	تَعْجَبَ

www.my-dars.ir

خواهان و دوستدار او شد	ثلاثی مجرد	رَغِبَ فِيهِ
از او بیزار شد	ثلاثی مجرد	رَغِبَ عَنْهُ
او را بر دیگران ترجیح داد ، برگزید	ثلاثی مجرد	رَغِبَ بِهِ عَنِ غَيْرِهِ
تضرع و زاری کرد	ثلاثی مجرد	رَغِبَ إِلَيْهِ